

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه حقوق تجارت

خلاصه نکات حقوق تجارت ۱ تا ۴

مشمول بر قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری
قانون صدور چک، قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی



تدوین:

فرانک افتخاری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه : افتخاری، فرانک، ۱۳۶۵ -
 عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام
 عنوان و نام پدیدآور : مجموعه حقوق تجارت/ فرانک افتخاری؛ [برای] موسسه آموزش عالی
 آزاد چتر دانش
 مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۳۳۸ ص؛ ۲۴ × ۱۷ س.م.
 فروست : سری کتب آموزشی آزاد چتر دانش
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۲۸-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 موضوع : حقوق تجارت -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
 شناسه افزوده : موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ م۳ ۷۵ الف/۹۲۰ KMH
 رده بندی دیویی : ۳۴۶/۵۵۰۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۲۳۳۴۲

نام کتاب : مجموعه حقوق تجارت
 ناشر : چتر دانش
 تدوین : فرانک افتخاری
 نوبت و سال چاپ : چهارم - ۱۳۹۹
 شمارگان : ۱۰۰۰
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۲۸-۲
 قیمت : ۱۶۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸
 تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳
 پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
 کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

فصل اول: کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری	۸
شناخت تاجر	۹
اعمال تجاری	۱۲
دفاتر تجاری	۱۹
دلالی	۲۳
حق العمل کاری (کمسیون)	۲۷
قرارداد حمل و نقل	۳۲
قائم مقام تجاری	۳۷
ضمانت	۳۸
اسم تجاری	۴۱
* قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶	۴۲

فصل دوم: شرکت های تجاری	۶۱
انواع شرکت های اشخاص	۷۲
شرکت تضامنی	۷۳
شرکت نسبی	۷۷
شرکت مختلط غیرسهامی	۸۰
انحلال شرکت های اشخاص	۸۴
تصفیه امور شرکت های اشخاص	۸۷
شرکت با مسئولیت محدود	۸۹
انحلال شرکت با مسئولیت محدود	۹۵
تصفیه شرکت با مسئولیت محدود	۹۶
شرکت سهامی	۹۷
تبدیل سهام	۱۰۹
اوراق قرضه	۱۱۱
ارکان شرکت سهامی مجامع عمومی	۱۱۵
مجمع عمومی مؤسس	۱۱۶
مجمع عمومی فوق العاده	۱۱۹
مجمع عمومی عادی	۱۲۱
هیئت مدیره	۱۲۵

۱۳۱	مدیر عامل
۱۳۵	بازرسان
۱۴۲	کاهش سرمایه
۱۴۴	حساب‌های شرکت
۱۴۵	مقررات مختلف مربوط به شرکت‌های سهامی
۱۴۷	انحلال و تصفیه
۱۵۱	شرکت مختلط سهامی
۱۵۴	انحلال شرکت مختلط سهامی
۱۵۵	شرکت‌های تعاونی
۱۵۹	* قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰، ۳، ۱۶
۲۰۲	* قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

فصل سوم : اسناد تجاری (برات، فته طلب، چک) ۲۳۲

۲۳۵	برات
۲۳۸	قبول برات
۲۴۰	نکول برات
۲۴۲	قبولی شخص ثالث
۲۴۳	ظهنویسی
۲۴۶	مسئولیت
۲۵۰	پرداخت
۲۵۷	اعتراض (پروتست)
۲۵۹	برات رجوعی
۲۶۱	سفته (فته طلب)
۲۶۶	چک
۲۷۲	* قانون صدور چک

فصل چهارم : ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته ۲۸۹

۲۹۰	تحقق ورشکستگی
۲۹۲	شرایط اساسی ورشکستگی
۲۹۷	اعلان ورشکستگی و اثرات آن

۳۰۰	دادگاه صلاحیت دار.....
۳۰۳	آثار حکم ورشکستگی.....
۳۰۷	وضعیت معاملات تاجر.....
۳۱۲	مدیر تصفیه
۳۱۳	قرارداد ارفاقی.....
۳۱۵	اثرات قرارداد ارفاقی.....
۳۱۶	ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی.....
۳۱۸	در دعوی استرداد.....
۳۲۲	ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب.....
۳۲۴	اعاده اعتبار
۳۲۵	* قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی (مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸).....
۳۳۸	فهرست منابع.....

مقدمه مؤلف

«آرامش ذهنی را ستین، این است که بدانید هرکس را خواهی کرد که باید
انجام دهد و به نیت خیر خود و قدرت انجامش، باور داشته باشد»

بعلت پیچیدگی مسائل اقتصادی و تجاری و کمبود منابع در خصوص حقوق تجارت و احساس نیاز در جامعه حقوقی به خصوص فارغ التحصیلان رشته حقوق جهت کسب آمادگی در آزمون های حقوقی از جمله کارشناسی ارشد، دکترا، وکالت و قضاوت، نگارنده را بر آن داشت تا با کمک و مساعدت مؤسسه آموزش عالی چتر دانش بخصوص مدیریت محترم و لایق، جناب آقای فرزاد دانشور کتاب حاضر را با بهره گیری از سبک نموداری طی تحقیق و بررسی طولانی و با دقت و ظرافت بسیار تهیه و تدوین نماید. *در این کتاب سعی شده حقوق تجارت به دور از حاشیه زیاد و با جدیدترین متد آموزشی و یادگیری تهیه و تدوین گردد و به جای آنکه مواد قانون تجارت به ترتیب بررسی شود به طور موضوعی چیدمان شده و بررسی مواد به صورت موضوعی می باشد نه عددی، بخصوص در درس حقوق تجارت ۲ در مبحث مربوط به شرکت های تجاری که به علت پیچیدگی زیاد یکی از بزرگترین دغدغه های داوطلبین می باشد، سعی شده با بهره گیری از جداول و مواد قانون تجارت به صورت نکته ای و موضوعی، یادگیری در این درس تسهیل شود.

*با اینکه نهایت دقت و حساسیت در تدوین این مجموعه به کار گرفته شده اما بطور قطع خالی از ایراد و اشکال نمی باشد لذا نگارنده از راهنمایی و مساعدت اساتید و بزرگان علم حقوق و تمامی داوطلبین عزیز استقبال خواهد کرد.

امید است که اینجانب را با پیشنهادات و انتقادات خود که به ارتقای کیفی این مجموعه می انجامد محروم نفرمایید.

از کلیه دوستان بخصوص برادر عزیزم جناب آقای سعید افتخاری که با سالها تجربه در دادگستری و امر حقوقی مرا در تدوین این مجموعه یاری کردند کمال تشکر را دارم.
در پایان لازم می دانم از مؤسسه آموزش عالی چتر دانش و مدیریت محترم آن جناب آقای فرزاد دانشور که نسبت به ضرورت این اثر اینجانب را تشویق و نسبت به چاپ آن اقدام نمودند کمال قدردانی و تشکر را نمایم و توفیق بیشتر ایشان را از خداوند متعال خواستارم .

با تشکر

فرانک افتخاری

Email: Eftekhari – Faranak@ yahoo. com

فصل اول

کلیات، معاملات تجاری تجار و
سازماندهی فعالیت تجاری

شناخت تاجر

تعریف تاجر

طبق ماده ۱ق.ت. تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد.



منظور از کلمه «کسی» در عبارت فوق، منصرف به اشخاص حقیقی و حقوقی است.

اشخاص حقیقی

انواع تاجر

موضوع حقوق عمومی

اشخاص حقوقی

موضوع حقوق خصوصی

باید بدانیم

برای تاجر شدن اشخاص حقیقی، وجود شروط زیر ضروری است.

شرط اول انجام دادن امور تجاری به نام و حساب خود شخص باشد.

کسی که عمل تجاری را به نام و حساب دیگری انجام دهد تاجر محسوب نمی‌شوند زیرا عمل تجاری آمر را تاجر می‌کند نه انجام دهنده را، پس خدمه تجارت‌خانه، مدیران شرکت‌های تجاری و قائم مقام تجاری تاجر محسوب نمی‌شوند.

شرط اول قراردادادن امور تجاری به عنوان شغل معمولی خود.

منظور از شغل، فعالیت برای امرار معاش است، پس کسی که به اعمال تجاری می‌پردازد باید انجام دادن این اعمال، حرفه معمول او باشد و صرف تکرار عمل، شخص را تاجر نمی‌کند.

دولت

دولت تاجر محسوب نمی‌شود زیرا دولت برای سود بردن به امور تجارتي نمی‌پردازد و هدف از انجام این امور، اداره مملکت است.
* مؤسسات عمومی غیردولتی نیز تاجر محسوب نمی‌شوند زیرا با هدف ارائه خدمات به انجام این امور می‌پردازند.

شرکت‌های دولتی

شرکت‌هایی هستند که بیش از پنجاه درصد از سرمایه آنان متعلق به دولت باشد.
* شرکت‌های دولتی تا آنجا که در اساسنامه شان قید نشده باشد، شکل شرکت سهامی را دارند، پس تاجر تلقی می‌شوند.

نکته ۱

شرکت‌های دولتی غیرتجارتی تاجر محسوب نمی‌شوند و طبق ماده ۵۸۷ ق.ت.

نکته ۲

از میان اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی، تنها شرکت‌های دولتی تجاری، تاجر محسوب می‌شوند.

شرکت‌های تجاری

در هر حال تاجر محسوب می‌شوند چه موضوع آنها تجاری باشد چه به لحاظ شکل تجاری تلقی شوند.

شرکت‌های غیر تجاری

تاجر محسوب نمی‌شوند و طبق ماده ۵۸۴ ق.ت، فقط با ثبت شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.

بیشتر بدانیم

شرکت‌های تجاری به دو نوع شرکت‌های موضوعاً تجاری و شرکت‌های شکلاً تجاری تقسیم می‌شوند.

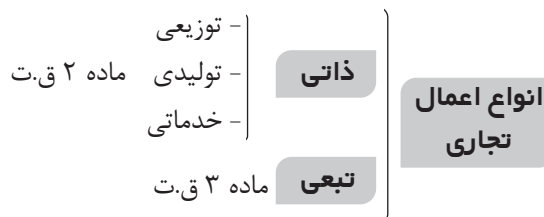
شرکت‌های موضوعاً تجاری

شرکت‌هایی هستند که برای امور تجاری تشکیل می‌شوند. مانند شرکت‌های تضامنی، نسبی، مختلط (غیرسهامی و سهامی) و شرکت با مسئولیت محدود (بند ۲ تا ۷ ماده ۲۰ ق.ت)

شرکت‌های شکلاً تجاری

شرکت‌هایی هستند که به صرف قالب یا چهارچوب آن تجاری تلقی می‌شوند، چه موضوع آنها تجاری باشد و چه نباشد. مانند شرکت‌های سهامی عام و خاص

اعمال تجاری



بیشتر بدانیم

منظور از معاملات تجاری مندرج در ماده ۱ ق.ت، معاملات تجاری ذاتی است و معاملات تجاری ذاتی، معاملاتی است که در گردش ثروت دخالت دارد.

- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره (بند ۱ ماده ۲ ق.ت)
- تهیه و رساندن ملزومات (بند ۳ ماده ۲ ق.ت)

اعمال تجاری ذاتی

- تأسیس و به کار انداختن هرگونه کارخانه، البته مشروط به اینکه برای رفع حواجج شخصی نباشد (بند ۴ ماده ۲ ق.ت).
- پیشه‌ور یا صنعتگر به کسی گفته می‌شود که با کاردستی (یدی) خود، برای تولید و ایجاد آثار، امرار معاش می‌کند.
- در صورتی که کار تولیدی از طریق کارخانه انجام شود مشمول بند ۴ ماده ۲ ق.ت خواهد بود.

عملیات تجاری

تولیدی

اعمال تجاری ذاتی

- واسطه‌ای
- مالی
- متفرقه

عملیات تجاری خدماتی

- عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی (بند ۳ ماده ۲ ق.ت)

واسطه‌ای

- تصدی به تأسیساتی که برای انجام دادن بعضی از امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه (بند ۳ ماده ۲ ق.ت)

- عملیات صرافی و بانکی (بند ۷ ماده ۲ ق.ت)

- عملیات بیمه بحری و غیر بحری (بند ۱۰ ماده ۲ ق.ت)

مالی

- تصدی به حمل و نقل (بند ۲ ماده ۲ ق.ت)

- تصدی به عملیات حراجی (بند ۵ ماده ۲ ق.ت)

تصدی به هر قسمت نمایشگاه‌های عمومی (بند ۶ ماده ۲ ق.ت)
منظور از کلمه تصدی در ماده ۲ ق.ت این است که عمل تجاری تکرار شود و به صورت بنگاه و یا مؤسسه باشد و ابزار و تشکیلاتی داشته باشد.

متفرقه

نکته ۱

منظور از معاملات دریایی در (بند ۱۰ ماده ۲ ق.ت.ا)، خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها است. و این قسم از معاملات همه انواع اعمال تجاری (توزیعی، تولیدی و خدماتی) را در بر می‌گیرد.

نکته ۲

منظور از معاملات برواتی در (بند ۸ ماده ۱ ق.ت)، اعمال حقوقی است که روی برات انجام می‌شود. یعنی صدور، قبولی و ظهرنویسی بروات و منظور معاملاتی است که مورد معامله آن بروات باشد.
* معاملات برواتی در هیچ یک از عملیات سه گانه مذکور قرار نمی‌گیرد.

به یاد داشته باشیم

صرف انجام اعمال تجاری ذاتی مندرج در ماده ۲ ق.ت موجب تاجر شناخته شدن شخص نخواهد شد بلکه باید انجام عمل تجاری به عنوان شغل معمولی و به نام و حساب خود شخص باشد.

نکته مهم

اگر قسمت عمده مالی که فروخته می‌شود حاصل هنر فروشنده باشد، دیگر عمل تجاری محسوب نمی‌شود و این عمل در قالب پیشه‌وری می‌گنجد.

نکته مهم

مطابق ماده ۱۲ قانون نظام صنفی کشور: افراد صنفی موظفاند قبل از تأسیس هر نوع واحد صنفی یا واحد اشتغال به کسب و حرفه نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام کنند. بنابراین می‌توان گفت شرکت‌هایی که در امر حمل و نقل جاده‌ای مسافر فعالیت می‌کنند، علاوه بر اخذ مجوز از سازمان حمل و نقل به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه هستند.

تعریف فرد صنفی ← طبق ماده ۲ قانون نظام صنفی کشور: هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از تولید، تبدیل، خرید، فروش، توزیع، خدمات و خدمات فنی سرمایه‌گذاری کند و به عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزئی به مصرف‌کننده عرضه دارد، فرد صنفی شناخته می‌شود.

باید بدانیم

بر طبق ماده ۳ ق.ت، اعمال تجاری تبعی اعمالی است که ذاتاً غیرتجاری است ولی چون توسط تاجر انجام می‌شود تجاری تلقی می‌گردد و به شرح ذیل می‌باشد:

- کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک‌ها
- کلیه معاملات بین تاجر با غیرتاجر که برای حوایج تجاری خود می‌نمایند.
- کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می‌نمایند.
- کلیه معاملات شرکت‌های تجاری

نکته مهم

مدیران و مدیر عامل هیچ‌یک از شرکت‌های تجاری تاجر محسوب نمی‌شوند، چون به نام دیگری و به حساب دیگری عمل می‌کنند، مگر اینکه غیر تصدی این سمت‌ها شغل معمولشان عمل تجاری ذاتی باشد.

نکته مهم

کلیه معاملات تجار، تجارتی محسوب می‌شود مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست. یعنی اصل بر تجاری بودن معاملات تاجر است و مدعی خلاف آن را باید ثابت کند.

باید بدانیم

معامله بین ۲ تاجر در هر حال تجاری خواهد بود به استثناء اموال غیرمنقول.

نکته ۱

بر طبق ماده ۴ ق.ت، معاملات غیرمنقول به هیچ‌وجه تجارتی محسوب نمی‌شود.

نکته ۲

کلیه معاملات بین شرکت‌های تجارتی، تجاری محسوب می‌شود به استثناء اموال غیرمنقول

نکته ۲

کلیه معاملات بین شرکت‌های تجارتی، تجاری محسوب می‌شود به استثناء اموال غیرمنقول

باید بدانیم

معامله بین ۲ تاجر در هر حال تجاری خواهد بود به استثناء اموال غیر منقول دلالی و حق‌العمل‌کاری اموال غیرمنقول عملیات تجاری ذاتی است و همچنین آرایه خدمات بیمه‌ای مربوط به اموال غیر منقول نیز عملیات تجاری محسوب می‌شود.



فعالیت بنگاه‌های معاملات ملکی نیز تجارتی است.

نکته ۲

حقوق تجارت ایران بر نظام شخصی و موضوعی استوار است.

نکته مهم

اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران دارند؛ مگر در زمینه‌هایی که منع خاص وجود دارد. ماده ۱ قانون تجارت که به تعریف تاجر اختصاص یافته، داشتن تابعیت ایرانی را برای تاجر شناخته‌شدن اشخاص شرط نکرده باشد.

الزامات حرفه ای تاجر

۱- ثبت نام در دفتر ثبت تجاری

۲- تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری

ثبت نام در دفتر ثبت تجاری مطابق ماده ۱۶ ق.ت در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند.
* ضمانت اجرای عدم ثبت نام در دفتر ثبت تجاری ↪ تاجر به جزای نقدی محکوم خواهد شد.

نکته ثبت نام در دفتر ثبت تجاری اماره‌ای بر تاجر بودن محسوب می‌شود.

طرز نگهداری دفتر ثبت نگهداری دفتر ثبت تجاری در تهران ↪ به عهده دایره ثبت شرکت‌ها است.
در شهرستان‌ها ↪ به عهده ادارات ثبت است.

داشتن دفاتر تجاری مطابق ماده ۶ ق.ت هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر تجاری مندرج در ق.ت یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظام نامه، قائم مقام دفاتر تجاری قرار می‌دهد داشته باشد.

کسبه جزء

بیشتر بدانیم

مطابق نظامنامه ماده ۱۹ ق.ت ، افراد حقیقی زیر که از مصادیق اشخاص مذکور در ماده ۹۶ قانون مالیات‌های مستقیم نباشند با دارا بودن شرایط زیر کسبه جزء محسوب می‌شوند:

- ۱- کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آنها که میزان فروش سالانه آنان از مبلغ یکصد میلیون ریال تجاوز نکند.
- ۲- ارائه‌دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای که مبلغ دریافتی آنها در قبال خدمات ارائه شده در سال از مبلغ پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند.

نکته مهم کسبه جزء تاجر محسوب می‌شوند ولی الزامات تجار را ندارند.

- از جمله:
- ۱- مکلف به داشتن دفاتر تجاری نیستند.
 - ۲- مکلف به ثبت نام در دفتر ثبت تجاری نیستند
 - ۳- مشمول قوانین ورشکستگی نیستند.

دفاتر تجاری

۱- دفتر روزنامه

- تعریف** مطابق ماده ۷ ق.ت، دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالب ذیل را به هر اسم و رسمی که باشد در آن دفتر ثبت نماید که عبارتند از:
- ۱- مطالبات و دیون
 - ۲- داد و ستد تجاری
 - ۳- معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی)
 - ۴- جمیع واردات و صادرات تجاری خود
 - ۵- وجوهی که برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند

۲- دفتر کل

مطابق ماده ۸ ق.ت دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج کرده و در آن ثبت نماید و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده و هر نوعی را در صفحه مخصوصی به طور خلاصه ثبت کند.

تعریف

- مطابق ماده ۹ ق.ت دفتری است که تاجر باید هر سال مطالب ذیل را در آن دفتر ثبت و امضا نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد که عبارتند از:
- ۱- صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول
 - ۲- دیون و مطالبات سال گذشته خود

۳- دفتر دارایی

نکته: دفتر دارایی تراز مالی سالیانه تجار را مشخص می‌کند.

۴- دفتر کپی

مطابق ماده ۱۰ ق.ت، دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

باید بدانیم

مطابق ماده ۱۱۱ ق.ت، دفاتر روزنامه وکل و دارایی باید قبل از آن که در آن چیزی نوشته شود توسط نماینده اداره ثبت امضاء شود.

← **تذکر** برای دفتر کپیبه امضاء مزبور لازم نیست ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد.

← **تذکر** دفاتر فوق بدین علت که صورت قانونی به خود بگیرند و معتبر شناخته شوند باید توسط نماینده اداره ثبت امضاء شوند.

نکته ۲

مطابق ماده ۱۱۳ ق.ت، کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر تجاری مذکوره باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود.

موارد در دفاتر قانونی

- ۱- ثبت تمام یا قسمتی از یک فعالیت در حاشیه
- ۲- ثبت تمام یا قسمتی از یک فعالیت در بین سطور
- ۳- تقدم ثبت یک یا چند معامله نسبت به تاریخ وقوع آن
- ۴- تراشیدن و حک کردن
- ۵- جای سفید گذاشتن در دفتر بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است.

← **تذکر** تاجر باید تمام دفاتر تجاری خود را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاه دارد.

باید بدانیم

مطابق ماده ۱۴ ق.ت دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود به کار می برند به شروط ذیل سندیت خواهند داشت که عبارتند از:

۱- دفاتر مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم شده باشد.

۲- دعوا بین تاجر باشد.

۳- دعوا مربوط به امور تجاری باشد.

* در صورت تحقق این سه شرط، دفاتر تجاری دلیل محسوب می شوند.

تذکر

در صورت نبودن این سه شرط، دفتر فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

* به هر حال دفتر تاجر علیه خود تاجر سندیت دارد، زیرا مندرجات دفتر تجاری به منزله اقرار تاجر است.

نکته مهم

هر گاه در دعوای بین دو تاجر، راجع به امور تجاری بین مندرجات دفاتر آن ها تعارض وجود داشته باشد، قاضی مندرجات هر دو دفتر را نادیده می گیرد و به دلایل دیگر رجوع می کند.

دفاتر تجاری تاجر که توسط نماینده اداره ثبت امضاء و منگنه می شوند سند عادی محسوب می شوند.

باید بدانیم

مطابق ماده ۲۱۰ قانون آئین دادرسی مدنی، چنانچه یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود.

* هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارایه دفتر خود امتناع کند مگر اینکه ثابت نماید که دفتر او تلف شده و یا دسترسی به آن ندارد.

هرگاه بازرگانی که به دفتر او استناد شده از ابراز آن خودداری نماید و یا تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواند ثابت کند، دادگاه می‌تواند آن را از قراین مثبت‌ه اظهار طرف قرار دهد.

دفاتر تجارتي تاجر عليه غير تاجر سندیت ندارد، فقط ممکن است جزء قراین و امارات قبول شود.

۱- دفتر روزنامه

۲- دفتر کل

۳- دفتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه)

* این دفتر توسط وزارت امور اقتصاد و دارایی تهیه می‌شود.

دفاتر قانونی از نظر مالیاتی

دلالی

تعریف

مطابق ماده ۳۳۵ ق.ت، دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید، طرف معامله پیدا می‌کند.

یادآوری

دلال تاجر محسوب می‌شود و کلیه معاملات او تابع مقررات حقوق تجارت است حتی اگر معامله‌ای که واسطه آن می‌شود تجاری نباشد.

نکته

مطابق ماده ۳۳۶ ق.ت، دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

- ۱- مطلع کردن طرفین معامله از جزئیات معامله (ماده ۳۳۷ ق.ت)
- ۲- نگهداری نمونه کالا مطابق ماده ۳۴۰ ق.ت، در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه دارد.

مسئولیت در نگهداری از اشیاء و اسناد

مطابق ماده ۳۴۷ ق.ت، در صورتی که دلال در معامله سهمیم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

مسئولیت به هنگام منتفع یا سهمیم بودن در معامله

مطابق ماده ۳۴۶ ق.ت، در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهمیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد والا مسئول خسارت وارده است و به جزای نقدی هم محکوم خواهد شد.

مسئولیت به هنگام سهمیم بودن در معامله

مطابق ماده ۳۴۷ ق.ت، در صورتی که دلال در معامله سهمیم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

مسئولیت دلال

موارد عدم مسئولیت دلال

*در موارد ذیل دلال در معاملاتی که توسط او صورت می‌گیرد علی‌الاصول ضامن نمی‌باشد. این موارد عبارتند از:

۱- مطابق ماده ۳۴۳ ق.ت، دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند نیست.

۲- مطابق ماده ۳۴۳ ق.ت، دلال ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می‌شود نیست. *شرط ضامن بودن دلال در هر دو مورد فوق صحیح است. هر چند که علی‌الاصول ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند نیست.

۳- دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره‌ای که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر این که ثابت شود تقصیر از جانب او بوده. (ماده ۳۴۴ ق.ت)

نکته

دلال اصولاً نه در برابر آمر مسئول اجرای تعهدات طرف مقابل قرارداد است و نه در برابر طرف مقابل مسئولیتی برای اجرای تعهدات آمر دارد.

نکته ۱

مطابق ماده ۳۴۵ ق.ت، هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود باشد، دلال ضامن معامله است.

نکته ۲

مطابق ماده ۳۴۲ ق.ت، هرگاه معامله به توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او رد و بدل شود، در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله کرده‌اند، دلال ضامن صحت و اعتبار امضاهای نوشتجات و اسناد مزبور است.

۱- معامله به راهنمایی یا وساطت دلال تمام شده باشد: مطابق ماده ۳۴۸ ق.ت، دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.

*قرارداد دلالی با عقد جعاله در قانون مدنی بیشترین انطباق را دارد.

۲- در معاملات معلق پس از حصول شرط: مطابق ماده ۳۵۰ ق.ت، هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

۳- دلالی راجع به معاملات ممنوعه نباشد: مطابق ماده ۳۵۳ ق.ت، دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

شرایط تحقق حق دلالی

دلال حق دارد مخارجی را که برای انجام معامله متحمل شده است مطالبه کند مشروط بر اینکه



۲

عرف تجارتي محل، دلال را مستحق دریافت آن مخارج بداند.

۱

در قرارداد استحقاق مطالبه مخارج برای دلال شرط شده باشد ولو آن که معامله سر نگیرد.

حق الزحمه دلال

حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده، مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.



حق الزحمه دلال مطابق قرارداد مخصوصی است مشروط بر آنکه از میزان مقرر در تعرفه تجاوز نکند.

* چنانچه حق الزحمه در قرارداد معین نشده باشد، دادگاه با در نظر گرفتن نوع معامله و رعایت مقتضیات زمانی و مکانی و با جلب نظر اهل خبره حق الزحمه دلال را تعیین می نماید.

مسقطات حق دلالی

چنانچه دلال برخلاف وظیفه خود به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید یا برخلاف عرف تجارتی محل از طرف مزبور وجهی را دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند به مجازات مقرر برای خیانت در امانت نیز محکوم خواهد شد.

در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از خيارات قانونی فسخ شود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد (ماده ۳۵۲ ق.ت).

حق العمل کاری (کمسیون)

تعریف حق العمل کاری

مطابق ماده ۳۵۷ ق.ت، حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می‌دارد.



به موجب بند ۳ ماده ۲ ق.ت، حق العمل کاری، معامله (عمل) تجارته ذاتی است و برای اینکه شخصی به عنوان حق العمل کار تاجر محسوب شود، باید به موجب ماده ۱ ق.ت، شغل معمولی خود را حق العمل کاری قرار دهد.

اعمال مقررات وکالت در حق العمل کاری

مطابق ماده ۳۵۸ ق.ت، غیر از موارد استثناء شده در ق.ت، مقررات راجع به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.
 *اگر چه ماده ۳۵۸ ق.ت، حق العمل کاری را مشمول مقررات وکالت دانسته اما در واقع حق العمل کار فقط در مقابل آمر وکیل محسوب می‌شود و در رابطه «حق العمل کار و طرف قرارداد» چون حق العمل کار به نام خود معامله می‌کند اصیل محسوب می‌شود و باید تعهدات ناشی از قرارداد را اجرا کند. پس از این جهت تعهد او تعهد اصیل است. و آمر در مقابل طرف معامله با حق العمل کار هیچ تعهدی ندارد.

تفاوت دلال با حق العمل کار

دلال خودش طرف معامله قرار نمی‌گیرد بلکه واسطه معاملات است و صاحب کالا و خریدار را به هم معرفی کرده و طرفین را راضی به معامله با یکدیگر می‌کند در صورتی که حق العمل کار شخصاً معامله را انجام می‌دهد و خودش طرف معامله است.

نکته

آمر در مقابل طرف معامله با حق العمل کار هیچ تعهدی ندارد زیرا در برابر طرف مقابل معامله، خود حق العمل کار مسئول اجرای تعهدات ناشی از عقد است و آمر مسئولیتی ندارد.

- ۱- مطلع کردن آمر از اقدامات خود (ماده ۳۵۹ ق.ت)
- ۲- بیمه کردن مال التجاره در صورت دستور آمر: مطابق ماده ۳۶۰ ق.ت، حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموال موضوع معامله نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.
- ۳- انجام اقدامات لازم راجع به کالای معیوب (ماده ۳۶۱ ق.ت)
- ۴- فروش مال التجاره سریع الفساد: مطابق ماده ۳۶۲ ق.ت، اگر کالاهایی که جهت فروش به حق العمل کار داده شده در معرض فساد سریع باشد حق العمل کار می تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع دادستان یا نماینده او به فروش برساند.

۱- مسئولیت در رابطه با فروش کالا به کمتر از حداقل قیمت معین گردیده توسط آمر: مطابق ماده ۳۶۳ ق.ت، در این صورت آمر می تواند تفاوت قیمت را از حق العمل کار مطالبه کند مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

نکته

برعکس مورد بالا مطابق ماده ۳۶۵ ق.ت، اگر حق العمل کار مال التجاره ای را به کمتر از قیمتی که آمر تعیین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش رساند حق استفاده از تفاوت را نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد (این ماده موافق مقررات راجع به وکالت است)

۲- مسئولیت ناشی از تقصیر در حفظ مال التجاره: مطابق ماده ۳۶۴ ق.ت، اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

۳- مسئولیت در رابطه با فروش نسبه یا قسطی: مطابق ماده ۳۶۶ ق.ت، اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسبه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضامن است مگر آنکه فروش به نسبه داخل در عرف تجارتهی محل باشد که در این صورت حق العمل کار مأذون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

۴- مسئولیت در رابطه با پرداخت وجوه یا انجام تعهدات طرف معامله: مطابق ماده ۳۶۷ حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتهی بلد او را مسئول قرار دهد.

۵- مسئولیت در قبال تخلفات خود (ماده ۳۷۰ ق.ت)

زمان استحقاق حق العمل

مطابق ماده ۳۶۹ ق.ت، وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد.

*نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نباشد، حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید.

استحقاق حق العمل کار به مطالبه مخارج

مطابق ماده ۳۶۸ ق.ت، مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده‌ای که به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً به حق العمل کار مسترد شود.

* حق العمل کار می تواند مخارج انبار داری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گذارد.

حق حبس حق العمل کار

حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او،

۱- نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده

و

۲- نسبت به قیمتی که اخذ کرده

حق حبس خواهد داشت.

معامله با خود حق‌العمل کار

مطابق ماده ۳۷۳ ق.ت، حق‌العمل کار در صورتی می‌تواند خود شخصاً طرف معامله با آمر قرار گیرد که:

- ۱- مورد معامله در بورس یا در بازار مظنه روز داشته باشد.
- ۲- قرار داد حق‌العمل کاری این حق را به او داده باشد. (یعنی به عبارتی آمر دستور مخالفی نداده باشد)



چنانچه حق‌العمل کار، خود شخصاً طرف معامله با آمر واقع شود، مستحق حق‌العمل و مخارج عادی حق‌العمل کاری نیز خواهد بود (ماده ۳۷۴ ق.ت).

قرارداد حمل و نقل

تعریف متصدی حمل و نقل

مطابق ماده ۳۷۷ ق.ت، متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیا را به عهده می‌گیرد.



در حقوق تجارت ایران، قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت است مگر مواردی که قانوناً استثناء شده است.

نکته مهم

طرفین قرارداد حمل و نقل، ارسال کننده و متصدی حمل و نقل هستند، با وجود اینکه قرارداد حمل و نقل بر اساس قانون تجارت نسبت به مرسل الیه آثاری دارد، اما مرسل الیه طرف این قرارداد نیست.

- ۱- ارسال کننده کالا در مورد خسارت ناشی از عدم تعیین نکاتی که باید به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند، مسئول است. (ماده ۳۷۹ ق.ت)
- ۲- ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره به طرز مناسبی عدل بندی شود. (ماده ۳۸۰ ق.ت)

* خسارت ناشی از عیوب عدل بندی به عهده ارسال کننده است.

را بدون فید عدم مسئولیت قبول کرده باشد. متصدی حمل و نقل مسئول خسارت خواهد بود. (ماده ۳۸۱ ق.ت)

نکته

استرداد مال التجاره**حقوق ارسال کننده**

ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد. (ماده ۳۸۲ ق.ت)

موارد سقوط حق ارسال کننده در استرداد مال التجاره در ماده ۳۸۳ ق.ت آمده است.

بیشتر بدانیم

متصدی حمل و نقل امین محسوب می شود. در صورت عدم قبول مال التجاره توسط مرسل الیه و عدم تأدیه مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل و یا در صورت عدم دسترسی به مرسل الیه، مال التجاره نزد متصدی حمل و نقل به امانت باقی می ماند و در این مدت مخارج هر نقص و عیب به عهده ارسال کننده خواهد بود. و چنانچه متعاقباً مال التجاره تلف شود، متصدی حمل و نقل در قبال صاحب کالا امین شناخته می شود و در صورتی که مدعی تقصیر او را ثابت کند مسئول خواهد بود. (ماده ۳۸۴ ق.ت)

مطابق ماده ۳۹۰ ق.ت، اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مخارج مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

*متصدی حمل و نقل هم، بابت کرایه حمل و وجوه مورد ادعایش از حق حبس برخوردار است، البته در صورتی که کرایه مورد ادعا در صندوق دادگستری سپرده نشود.

۱- مسئولیت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره:

مطابق ماده ۳۸۶ ق.ت، در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه موارد زیر را

- ثابت کنید که این موارد عبارتند از:
- ۱- تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره بوده است.
 - ۲- تلف یا گم شدن مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیمات بوده که یکی از آنها داده اند.
 - ۳- تلف یا گم شدن مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید.

۲- مسئولیت ناشی از تقصیر نماینده متصدی حمل و نقل: مطابق ماده ۳۸۸

ق.ت، متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از این که خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد.

*در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

نکته مهم

در صورت مفقود شدن مال التجاره چنانچه مالک کالا غرامت خود را از حمل کننده دریافت نماید و بعد از مدتی کالای مفقودی پیدا شود؛ مالک می تواند درخواست تحویل کالا را بنماید چنانچه هنگام دریافت غرامت، تقاضا کرده باشد پیدا شدن کالا را به او اطلاع دهند (ماده ۲۰ کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین المللی کالا از طریق جاده)

مطابق ماده ۲۰ کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالا:

- ۱- عدم تحویل کالا ظرف (۳۰) روز پس از پایان مدت توافق شده یا در صورتی که چنین مهلتی توافق نشده باشد (۶۰) روز پس از تحویل کالا به حمل‌کننده دلیل قطعی بر مفقود شدن کالا است و شخصی که حق اقامه دعوا دارد می‌تواند پس از گذشت مهلت یاد شده چنین کالایی را مفقود شده تلقی نماید.
- ۲- شخصی که حق اقامه دعوا دارد با دریافت غرامت کالای مفقود شده می‌تواند به صورت کتبی تقاضا نماید که چنانچه ظرف یک سال از تاریخ دریافت غرامت کالا پیدا شود، موضوع را فوری به او اطلاع دهند. تایید و رسیدن چنین تقاضایی باید به طور کتبی به او اعلام شود.
- ۳- شخصی که حق اقامه دعوا دارد ظرف (۳۰) روز پس از دریافت چنین اطلاعیه‌ای می‌تواند بخواهد که کالا در برابر پرداخت هزینه‌های مقرر که دربارنامه جاده‌ای منعکس می‌باشد و استرداد غرامت دریافت شده منهای هزینه‌های در برگرفته شده به او تحویل داده شود. این عمل لطمه‌ای به حقوق شخص یاد شده، برای مطالبه خسارت تأخیر در تحویل موضوع ماده (۲۳) و موارد مشمول ماده (۲۶) وارد نخواهد کرد.
- ۴- در صورتی که تقاضای موضوع بند (۲) به عمل نیاید یا ظرف (۳۰) روز یاد شده در بند (۳) هیچ دستوری داده نشود و یا اینکه کالا در مدتی بیش از یک سال از تاریخ پرداخت غرامت پیدا نشود حمل‌کننده حق خواهد داشت برابر قوانین محلی که کالا در آن قرار دارد عمل نماید.

تذکر

مطابق ماده ۳۸۹ ق.ت، متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال‌التجاره، مرسل‌الیه را مستحضر نماید.

اقامه دعوی علیه متصدی حمل و نقل

مطابق ماده ۳۹۱ ق.ت، اگر مال‌التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوا پذیرفته نخواهد شد، مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده، به علاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیرظاهر نیز خواهد بود، مشروط به اینکه حداکثر تا ۸ روز از تاریخ تحویل، گیرنده مراتب را به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد.

مرور زمان اقامه دعوا علیه متصدی حمل و نقل

مرور زمان دعوا خسارت علیه متصدی حمل و نقل یک سال است. مبدأ این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال‌التجاره و یا تأخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری)، روزی است که مال به مرسل الیه تسلیم شده است. (ماده ۳۹۳ ق.ت)

قائم مقام تجاری

تعریف قائم مقام تجاری

قائم مقام تجاری کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است. (ماده ۳۹۵ ق.ت)



قائم مقام تجاری تاجر محسوب نمی شود، زیرا کار قائم مقام اداره کردن تجارتخانه است و سود و زیان کار نیز برای تجارتخانه است و ماهیت قائم مقام نیابت و وکالت می باشد.

قائم مقام تجاری بدون اذن رئیس تجارتخانه نمی تواند کسی را در کلیه کارهای تجارتخانه نایب خود قرارداد دهد. (ماده ۳۹۸ ق.ت)

نکته

عزل قائم مقام تجاری

عزل قائم مقام تجاری که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می شود. (ماده ۳۹۹ ق.ت)

نکته مهم

مطابق ماده ۴۰۰ ق.ت، با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه، قائم مقام تجاری منعزل نیست.

با انحلال شرکت قائم مقام تجاری منعزل است.

ضمانت

تعریف ضمان

ضمان عقدی است که به موجب آن شخصی در برابر طلبکار و با موافقت او دین دیگری را به عهده می‌گیرد.

ارکان عقد ضمان

- طلبکار (مضمون له)
- بدهکار (مضمون عنه)
- ضامن

ضمان نقل ذمه

عبارت است از اینکه ضامن با طلبکار عقد ضمان را منعقد می‌کند که دین بدهکار را به عهده بگیرد و آن را پرداخت کند. پس به موجب این نوع ضمان دین از عهده مضمون عنه به عهده ضامن منتقل می‌شود و ذمه مضمون عنه بری می‌شود.

انواع ضمان

ضم ذمه به ذمه

ضامن با طلبکار عقد ضمان را منعقد می‌کند و به موجب این نوع از ضمان بدهکار بری نمی‌شود بلکه ضامن نیز به او اضافه می‌شود. ضمان ضم ذمه به ذمه دو نوع است.

ضمان عرضی یا تضامنی

در این نوع ضمان تعهد ضامن و مضمون عنه در عرض یکدیگر قرار می‌گیرد و طلبکار می‌تواند به هر کدام از آنها تا هر میزان از طلب که خواست رجوع کند.

ضمان طولی یا وثیقه‌ای

در این نوع ضمان، بدهکار و ضامن در طول یکدیگر قرار می‌گیرند، بدین ترتیب که طلبکار برای وصول طلب خود ابتدا باید به مدیون اصلی (بدهکار) رجوع کند و اگر بدهکار نتوانست بدهی خود را پرداخت کند به ضامن رجوع کند.

بیشتر بدانیم

در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید. (ماده ۴۰۳ ق.ت)

دین و ضمان مؤجل

قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو اینکه به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل احوال شده باشد. (ماده ۴۰۵ ق.ت)

قبل از رسیدن اجل دین اصلی، ضامن فقط در صورتی ملزم به تأدیه است که ضمان او حال باشد.

تذکر

دین حال و ضمان مؤجل

مطابق ماده ۴۰۹ ق.ت، همین که دین حال شد ضامن می‌تواند مضمون له را به دریافت طلب یا انصراف از ضمان ملزم کند ولو ضمان مؤجل باشد.

همین که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شد ضامن نیز بری می‌شود. (ماده ۴۰۸ ق.ت)

نکته مهم

مطابق ماده ۴۱۰ ق.ت، استنکاف مضمون له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه - اگر دین با وثیقه بوده- ضامن را فوراً و به خودی خود بری خواهد ساخت.